

نگار به تاریخ معاصر

علی حسینی حائری (عین.صاد)

www.ketab.ir

مقدمه ناشر

نوشته‌ای که پیش رو دارید از مجموعه دست نوشته‌های استاد فقید مرحوم علی صفایی حائری است که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۴ به رشته تحریر در آمده است. این دست نوشته که در باره تاریخ معاصر ایران است، حکایت از دغدغه‌های استاد در آن سال‌ها می‌کند که نه به شکلی اساسی بیانگر تاریخ معاصر ایران است و نه نقد و بررسی کاملی از وضعیت تاریخ معاصر کشورمان، لذا نمی‌توان از آن توقع ارائه مطالب تاریخی و یا ناگفته‌های تاریخ را داشت.

(۱) آنچه ایشان را به نوشتن این مجموعه دعوت کرده است همانا طرح و تطبیق دیدگاه و طرح مبانی برخاسته از اعتقاد دینی اوست که در کتاب «درسهایی از انقلاب» به طور مبسوط آورده‌اند.

در نظر ایشان انقلاب اسلامی و اساساً هر حرکتی که می‌خواهد موفق باشد باید سه مرحله انتظار و تقیه و قیام را داشته باشد و گرنه با شکست روبرو خواهد شد.

- انتظار، آمادگی است که به شهادت و تقدیر و تنظیم می‌رسد...^(۱)

- تقیه، پنهانکاری و نفوذ در دشمن است.^(۲)

- با این دو گام قیام تحقق می‌یابد.

این نوشته در واقع تطبیق این دیدگاه است و سه کتاب «میراث خوار استعمار^(۳)»، «مأموریت برای وطنم^(۴)» و کتاب «ما و استعمار^(۵)» زمینه این تطبیق را فراهم می‌آورند و اطلاعات لازم را در اختیار استاد قرار می‌دهند.

www.ketab.ir

- ۱ - درسهایی از انقلاب، دفتر اول: انتظار، صص ۷۳-۷۸.
- ۲ - درسهایی از انقلاب، دفتر دوم: تقیه.
- ۳ - میراث خوار استعمار، دکتر مهدی بهار، چاپ اول، مهر ماه ۱۳۴۴ ش. کتابی است بسیار خواندنی که اطلاعات آن همچنان ارزشمند است. ناشر.
- ۴ - مأموریت برای وطنم، محمد رضا پهلوی؛ شاه مخلوع ایران از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷.
- ۵ - «ما و استعمار»، سرهنگ زرهی ستاد ناصر فرید، ابتدا در دی ماه سال ۱۳۴۲ ش. به همین نام و سپس در چاپ دوم به نام سرنوشت استعمار در ایران منتشر شد. این کتاب ابتدا طی تحصیل مؤلف در مدارس نظامی آمریکا با مراجعه به آرشیوهای غنی آن کشور به زبان انگلیسی نوشته شد و بعداً توسط خود ایشان ترجمه و توسط چاپخانه ارتش شاهنشاهی به چاپ رسیده است. کتابی است خواندنی که با توجه به اسناد و مدارک خارجی‌ها و توسط سرهنگی نوشته می‌شود که هم دوره رضا خانی را درک کرده و هم دوره محمد رضا شاه را و البته بعد از پیروزی انقلاب با عنوان سرلشگر در ارتش جمهوری اسلامی ایران خدمت کرده‌اند. نوشته اخیر ایشان «نقش ارتش در تحولات تاریخی ایران» است که در سال ۱۳۸۳ ش. توسط انتشارات کومش به چاپ رسیده است. ناشر.

۲) آنچه که این نوشته را از کتاب‌های تاریخ معاصر و یا نقد و بررسی تاریخ معاصر ایران جدا می‌کند این است که ایشان هیچ تلاشی ندارند تا اطلاعاتی از زوایای تاریک و پنهان تاریخ معاصر به خواننده بدهند، حتی ایشان تلاشی هم ندارند تا برداشت یک تاریخ نویس را در فهم یک حادثه تاریخی مثل مشروطه یا نهضت نفت و با حوادث کوچک و بزرگ دیگر تاریخ معاصر ایران را مورد نقادی قرار دهند آنگونه که جریان‌های مختلف فکری و سیاسی علیه یکدیگر انجام می‌دهند و یک شخصیت تاریخی را سمبل وابستگی و محاببت و دیگری، هم او را سمبل مقاومت و مبارزه می‌شناسند، لذا خواننده اصلاً نباید انتظار آن را داشته باشد که اطلاعات ناشنیده‌ای از حوادث تاریخ معاصر به دست آورد.

۳) در این نوشته استاد تلاش می‌کند تا معیارهایی برای نقادی عملکردها ارایه کند.

در واقع می‌توان ادعا کرد که این نوشته بیشتر به دنبال آن است که معیارهایی را برای نقادی عملکردها در طول تاریخ ارایه کند همانطور که می‌توانیم این نوشته را روش نقد رهبران تاریخ معاصر ایران بدانیم.

با این معیار که «ما باید حق را از حق و برای حق بخواهیم و اینقدر بیدار باشیم که حق ما طعمه باطل نگردد و قدرت‌های استعماری از آن تغذیه

نکنند»، فعالیت‌های اصلاحی سید جمال و دیگر روشنفکران اصلاح طلب را نقادی می‌کنند و اینکه تنها نیت پاک داشتن کافی نیست بلکه باید پیش از خراب کردن، وسایل آباد کردن را در دست داشت، با داشتن نیروهای خارجی و نفرات احساساتی و... نتیجه به کام انگلیس است و تجزیه عثمانی و استعمار ایران. ایشان موضع سید جمال و مجاهدین شیعی را در این می‌دانند که هدف خود را در نقشه دشمن می‌جستند و با پای او مقصد خود را می‌طلبیدند در حالی که قرآن آنها را پیش از این از تکیه کردن بر دشمن بر حذر داشته بود.

اینکه «برای مبارزه، به نیروی انسانی نیازمندیم و برای تهیه نیرو باید به افراد آگاهی و شخصیت داد و سپس این شخصیت‌های آگاه را به وحدت رسانید» معیار دیگری است که مطرح می‌کنند و برای به وحدت رساندن و شخصیت دادن نیز باید آنان را با هدف‌های بزرگ و بزرگ حکومت دینی آشنا کرد. علاوه بر نیروی انسانی، برای مبارزه به نیرو و مهمات نیاز است که باید آن را مبارزان خود تهیه کند نه این که از دشمن وام بگیرد، اتکاء باید به قدرت داخلی باشد

امیر کبیر با تمامی امکاناتی که در کشور فراهم کرده بود و حتی با وجود سازمان جاسوسی دقیق و ریشه دار، از این امر غافل بود که نه توجهی به آینده داشت و برای خود همفکر و همدستی تهیه کرده بود و نه اعتنایی به نفوذ دشمن در داخل ایران و حتی در داخل کاخ داشت و این دو غفلت

باعث شد که او شکست بخورد و این نه از قدرت دشمن که از ضعف امیر بود.

۴) یک رهبر انقلابی باید برای حرکت خود طرحی داشته باشد تا بداند در هر حادثه‌ای چه می‌خواهد و چگونه باید آن را اجرا کند و نقشه کار برای اهداف خود را داشته باشد تا در نقشه دیگران واقع نشود و بعد از تخریب وضعیت موجود بداند که به عنوان طرح بدیل و جایگزین چه چیزی را می‌خواهد جایگزین وضع فعلی کند تا دیگران به جای او طرح ندهند و او را تبدیل به قربانی برای رسیدن به اهداف خود نکنند.

ایشان با دادن چنین معیارهایی مجموعه حرکت‌های شکل گرفته در دوران رضاخان، بعد از جنگ جهانی دوم، رژیم پهلوی و‌های استعماری و چگونگی ورود آمریکا به ایران، حرکت ضد انگلیسی و صدق، ورود کمونیزم به ایران و حتی جریان اصلاحات ارضی و مبارزات روحانیت و شکل‌گیری مجاهدین و فدائیان خلق را مورد بررسی قرار می‌دهد و در انتها از تبدیل حرکت‌های استعماری به شکل‌های جدید (امپریالیسم) و طرح‌های نوی امپریالیستی در ایران سخن می‌گوید.

به عقیده استاد با شرایطی که برای ایران پیش آمده بیش از هر چیز این جامعه از درون پوک شده. ایرانی به یک رهبر نیاز دارد؛ رهبری مدیر و قدرتمند که چشمش به توان داخلی باشد و نه به قدرت دشمن و قدرت

خود را در اتکاء به نیروهای آگاه و با شخصیت و به وحدت رسیده داخلی معطوف کند و نه به قدرت‌های خارجی اما او به خوبی می‌داند که وجود رهبر به تنهایی کافی نیست بلکه رهبر باید با دو عنصر مهم همراه شود اول آن که برای تغییر وضعیت موجود طرح و برنامه جایگزین داشته باشد و دوم نیز برای اجرای طرح خود باید عده و عده فراهم کند هم باید نیروها و نفرات کارآمد داشته باشد تا جریان طرح‌های او و جایگزینان لایق خود او باشند و هم امکاناتی که بتواند با آنها بر دشمن فائق آید.

در پایان راحت‌تر می‌توان گفت که خواننده در این نوشته بیش از آن که با تاریخ معاصر ایران آشنا شود به زاویه دیدی می‌رسد که هم بتواند شرایط یک کشور را هم از داخلی و خارجی بهتر تصویر کند و هم معیاری داشته باشد تا بداند که برای یک کشور در یک جامعه چه نیازمندی‌هایی دارد و باید چه کند؟